



## Preparing food

Jack was hungry. He walked to the kitchen. He got out some eggs. He took out some oil. He placed a skillet on the stove. Next, he turned on the heat. He poured the oil into the skillet. He cracked the eggs into a bowl. He stirred the eggs. Then, he poured them into the hot skillet. He waited while the eggs cooked. They cooked for two minutes. He heard them cooking. They popped in the oil. Next, Jack put the eggs on a plate. He placed the plate on the dining room table. Jack loved looking at his eggs. They looked pretty on the white plate. He sat down in the large wooden chair. He thought about the day ahead. He ate the eggs with a spoon. They were good. He washed the plate with dishwashing soap. Then, he washed the pan. He got a sponge damp. Finally, he wiped down the table. Next, Jack watched TV.



## آماده کردن غذا

جک گرسنه بود. او به سمت آشپزخانه رفت. او چند تا تخم مرغ پیدا کرد. روغن را بیرون آورد. یک تابه روی گاز گذاشت. سپس، آتش را روشن کرد. روغن را روی تابه ریخت. او تخم مرغها را در یک ظرف شکست. تخم مرغها را قاطی کرد. سپس، تخم مرغها را در تابه ریخت. او منتظر پختن تخم مرغها ماند. در دو دقیقه پخته شدند. او صدای پخته شدن آنها را شنید. تخم مرغها در روغن جذب شدند. سپس، جک تخم مرغها را در ظرفی گذاشت. او ظرف را روی میز ناهار خوری قرار داد. جک عاشق نگاه کردن به تخم مرغها است. آنها در ظرف سفید زیبا بودند. او روی صندلی چوبی بزرگ نشست. او به روز پیش روی خود فکر کرد. تخم مرغها را با قاشق خورد. خوب بودند. ظرف را با پودر ماشینی شست. سپس، تابه را شست. او یک اسفنج شست و شو دارد. سپس، میز را تمیز کرد. سپس، جک به تلویزیون نگاه کرد.